

مجلس، همدست موسسات استثمارگر خیریه

فرامرز توفیقی، رئیس کمیته دستمزد قانون عالی شوراها



همه دلسوزان اقتصادی و فعالان اقتصادی می‌دانند که شرایط فعلی جامعه آماده طرح‌های تخریبی نیست. در شرایطی که نمایندگان مجلس قصد حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی دارند، اگر آن را در کنار تلاش برای تغییر قانون کار بگذاریم، به این نتیجه می‌رسیم که مجلسی‌ها به هیچ عنوان دغدغه معیشت و زندگی کارگران ندارند.

خطاب به این نمایندگان مجلس باید گفت که از سال ۶۹ که قانون کار وضع شده، کدام یک از مواد ۴۱، ماده هفت و ماده ۱۴۹ اجرایی شده که حالا شما می‌خواهید یک تبصره به ماده ۴۱ اضافه کنید؟ در این سال‌ها چه زمانی تورم به معنای واقعی در افزایش دستمزد لحاظ شده و چه زمان سبب معیشت در معادلات مزدی منظور شده است؟ وقتی بند یک و دو ماده ۴۱ هیچ زمان اجرایی نشده، چرا اقدامی نکردید، مگر شما وکیل‌الرعایا نیستید؟ سری به شهرک‌های صنعتی بزنید. قطعی کارگر ساده شده است. در شهرک‌های صنعتی بارها اعلان می‌زنند و آگهی می‌دهند اما باین دستمزد ده‌ها، کارگر ساده حاضر به کار کردن نیست چون دیگر برایش نمی‌صرفد! کنار خیابان باقالی بفروشد یا دست‌فروشی و مسافر کشی کند، بیشتر درمی‌آورد.

معتقدم ارزان‌سازی مدام نیروی کار موجب بدبختی کارفرمایان شده و اگر نمایندگان مجلس حذف حداقل مزد را تصویب کنند و به خواسته موسسات خیریه استثمارگر و جاهت قانونی ببخشند، باز هم هیچ مشکلی از کارفرمایان یا تولید و اشتغال حل نمی‌شود که هیچ، مشکلات بیشتر خواهد شد. اگر نمایندگان مجلس پای صحبت‌ها و دردل‌های کارفرمایان واقعی بنشینند، عدم همراهی دولت و قوانین دست و پاگیر تولید را به عنوان مشکلات بیان می‌کنند. اگر می‌خواهند مشکلات تولید را ریشه‌یابی کنند، یا کارفرمایان واقعی به صحبت بنشینند. این مدل بر خورد با مساله دستمزد، مباح کردن بریدن سر کارگر توسط یک مشت استثمارگر است. این سر می‌خواهند با سر کوب دستمزدی، ارزان‌سازی بیشتر نیروی کار را محقق کنند.

یک پیک موتوری با سه ساعت کار کردن در روز، بیشتر از حداقل دستمزد درآمد دارد پس چطور کارگر باید انگیزه ورود به تولید داشته باشد؟ این نمایندگان که باید حافظ قانون باشند، در حال تخریب قانون هستند. باید از آنها پرسید شما چه زمانی نگران اجرانشدن ماده هفت قانون کار شدید و چه زمانی آمدند ببر سندن در این مدل‌های رنگارنگ مسکن از نهضت مسکن گرفته تا مسکن ملی، کجا الزامات ماده ۱۴۹ قانون کار رعایت شده است؟

به نظر من زمان شعارهای زیبا گذشته است و کارگران گول وعده‌های زیبا و حرف‌های دهان پرکن را نمی‌خورند. نمی‌توانند ادا کنند می‌خواهیم اشتغال‌زایی کنیم پس قانون کار و ماده ۴۱ را تخریب می‌کنیم. این استدلال‌های نامربوط را دیگر جامعه کارگری نمی‌پذیرد!

در پایان باید گفت یک نگرانی دیگر، ایجاد ستادی برای مدیریت و رصد بازار است که مثلاً مقابله جدی با گران‌فروشی صورت بگیرد و گران‌فروشان را جریمه کنند. دقیقاً اقلامی را اعلام کرده‌اند که مبنای محاسبه نرخ تورم رسمی است؛ یعنی همان سبد تورمی رسمی مرکز آمار را اعلام کرده‌اند که در بازار رصد می‌شود تا گران‌فروشی صورت نگیرد. مثلاً قیمت ماست پگاه را اعلام کرده‌اند. حالا اگر شما ماست پگاه را پیدا نکردید و ماست پاکبان یا کاله خریدید، دیگر کسی نگران قیمتش نیست! این بازی‌ها برای این است که نرخ تورم رسمی را عاقدانه پایین بکشند. مولفه‌های تاثیرگذار در نرخ تورم رسمی را احصا می‌کنند و همان‌ها را کنترل قیمت می‌کنند. اینها بازی کردن با اعداد توری است تا با پایین کشیدن تعدلانه نرخ‌ها، مدعی شوند تورم راهبار کرده‌ایم. باین اقدامات تورم خوراکی ماه گذشته را که بالای ۶۰ درصد بوده، می‌خواهند مدعی شوند که می‌توانند به زیر ۵۰ درصد برسانند. این اعداد ساختگی تورم، می‌تواند در معادلات مزدی کارگران مشکل به وجود بیاورد و در مذاکرات مزدی به عنوان یک مانع اصلی برای چانه‌زنی ظاهر شود. به این ترتیب، همه جوره قصد فشار وارد آوردن به کارگران و نمایندگان کارگری دارند.

کارگران در برابر حذف حداقل مزد ساکت نمی‌نشینند

تخریب قانون در پوشش اصلاح



«بیست و نهم آبان» سالروز تصویب قانون کار است. قانون کار فعلی با همه محدودیت‌ها و ضعف‌هایی که دارد و انتقاداتی که کارگران به بخش‌های مختلف آن به خصوص فصل ششم وارد می‌کنند، سند بالارزشی است که طرف‌های مقابل، رویه‌های حمایتی و الزام‌آور آن را بر نمی‌تابند و تلاش دارند تا با تصویب طرح‌ها و لوایح گوناگون، حقوق قانونی کارگران در این قانون را مخدوش کنند. نمونه اخیر این همه‌ها، طرح ۳۸ نماینده مجلس برای الحاق یک تبصره به ماده ۴۱ قانون کار برای به کرسی نشاندن مزد توافقی در کارگاه‌های روستایی کشور است. «حسن صادقی» رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری می‌گوید: اگر نمایندگان مجلس، امضاهای خود را پس نگیرند و این طرح با به صحن مجلس بگذارند، کارگران کشور با تمام توان اعتراض خواهند کرد.

قانون کار فعلی را در کلیت خود چطور ارزیابی می‌کنید و آیا این سند می‌تواند در برگیرنده تمام حقوق قانونی کارگران باشد، همان حقوقی که سازمان جهانی کار بر آن تاکید دارد؟

قانون کار، فراز و نشیب‌های طولانی و یک پروسه بسیار پرچالش را پشت سر گذاشت تا در سال ۱۳۶۹ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. در گذر از این مراحل طولانی، بسیاری از بندها و مواد اساسی آن حذف شد و آنچه امروز می‌بینیم، نسخه‌ای است که توانسته از شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام مجوز عبور در یافت کند و به تصویب نهایی برسد.

آیا نسخه اولیه قبل از اینکه به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام برسد، بهتر بود و در حمایت بیشتری داشت؟

بله، نسخه اولیه، مترقی‌تر، بهتر و مشارکتی‌تر بود و نقش نمایندگان کارگری در آن پررنگ‌تر بود. در فصل ششم، نظارت استصوابی در انتخاب نمایندگان کارگری بسیار کمتر بود و دست نمایندگان کارگری برای استقرار یک نظام مشارکتی در امر

تولید، بسیار بازتر بود. اما به هر حال، آنچه امروز در دست داریم، نسخه‌ای است که ۲۹ آبان ۶۹ به تصویب رسید و عملاً مورد امان نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و پس از ابلاغ، جنبه اجرایی پیدا کرد. در هر حال، به مناسبت ۲۹ آبان، سالروز تصویب قانون کار، جامعه کارگری در سراسر کشور، سلسله برنامه‌هایی برگزار می‌کند و این روز را یک روز ملی تلقی می‌کند. در این روز موضوعات بسیاری از جمله حقوق بر زمین مانده و اجرایی نشده در قالب برنامه‌های مختلف از سخنرانی و اجتماع و گردهمایی گرفته تا مصاحبه و نامه‌نگاری، طرح می‌شود. قانون کار، یک سند ملی است که می‌توان گفت بعد از قانون اساسی، بحث‌برانگیزترین سند قانونی است که بر سرندهای آن، یک اجماع اساسی صورت گرفته است.

امسال یک تقارن ناخوش‌یمن داریم. در سالروز تصویب قانون کار، از طرح نمایندگان مجلس برای الحاق یک تبصره به ماده ۴۱ با هدف قانونی شدن مزد توافقی، رونمایی شده است. این تقارن را چطور ارزیابی می‌کنید؟

بیست و نهم آبان امسال، از حساسیت بیشتری نسبت به سال‌های قبل برخوردار است چرا که سالروز تصویب قانون کار مقارن شده با طرح نمایندگان مجلس برای تغییر ماده ۴۱ قانون کار که به نوعی با افزودن یک تبصره، ماده ۴۱ و هر دو تبصره آن، از انتفاع ساقط می‌شوند و ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهند. متأسفانه گروه‌هایی همیشه به دنبال تغییر قانون کار و از بین بردن سوبه‌های حمایتی آن بوده‌اند و حالا با این طرح مثلاً الحاقی نمایندگان مجلس، ماده ۴۱ و دو تبصره آن، کاملاً اثر و خنثی می‌شوند و این ماده مهم از متن قانون کار کاملاً حذف می‌شود. خطرات و عواقب این کار، به مراتب بیشتر از طرح‌های اصلاحی قبلی برای اصلاح قانون کار است چون ۳۵ میلیون کارگر حوزه‌های کوچک، خانگی و کشاورزی، مشمول این بند الحاقی شده‌ و از حداقل دستمزد قانونی محروم می‌شوند.

به همین دلیل، من در اینجا قصد دارم، نام نمایندگان امضاکننده این طرح تخریبی را اعلام کنم تا کارگران بدانند کدام یک از وکلای مجلس، پای چنین طرح ضد کارگری را امضا گذاشته‌اند و روشن شوند: «علیرضا ورناسری قندعلی»، «جعفر قادری»، «احمد محرمزاده یخ‌فروزان»، «کمال حسین پور»، «محمد صالح جوکار»، «رسول فرخی میکال»، «فریدون حسونوند»، «علی علیزاده مراغه»، «موسی موسوی»، «حسینعلی حاجی دلگلی»، «محمد رضا میر تاج‌الدینی»، «محمد مولوی»، «محمد طرلا مظلومی آبرنگه»، «محمد تقی نقدعلی»، «محمد خدابخشی»، «علی یزدی خواه»، «رضا آریان پور»، «جواد حسینی کیا»، «پهروز محبی نجم‌آبادی»، «مجتبی محفوظی»، «مهراد گودرزوند چگینی»، «کریم حسینی»، «مهدی شریفیان»، «مضانعلی سنگدوینی»، «نصراله پژمان‌فر»، «پرهیم عزیزی»، «ذبیح‌الله اعظمی سارودنی»، «مصطفی نخعی»، «جعفر راستی»، «علی آذری»، «نور حبیب‌زاده بوکانی»، «حسین حق‌وردی»، «اصغر سلیمی»، «جواد نیک‌بین»، «یعقوب رضازاده»، «عبدالجبار ایری» و «مجتبی نصیرانی». نمایندگان هستند که پای این طرح ضد کارگری را امضا زده‌اند.

در صورت تصویب این طرح، چه اتفاقی خواهد افتاد و دایره معافیت از حداقل دستمزد واقعاً چقدر گسترده خواهد شد؟

اگر این اتفاق بیفتد و طرح پیشنهادی این نمایندگان به تصویب برسد، به کارگاه‌های خانگی و کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر در همه جا تعمیم می‌یابد و شاهد گسترش آن خواهیم بود. در صورت تصویب شدن این طرح، ما شاهد برخورد‌های حذفی و نادیده گرفتن حقوق اولیه طبقه کارگر در بخش‌های مختلف خواهیم بود. ضمن اینکه گام بعدی حذف ماده ۴۱ با الحاق یک تبصره به آن و حذف بیمه اجباری تأمین اجتماعی خواهد بود.

وقتی مزد توافقی شود، بیمه اجباری حذف می‌شود. مرحله بعدی نیز ورود به بیمه‌های مختلف است و کارفرما و کارگر بر سر نوع بیمه توافق خواهند کرد. مثلاً کارفرمای کارگری می‌گوید من تورابیمه فلان شرکت می‌کنم یا فقط بیمه حادثه در کارگاه داریم یا بیمه آتیه و... در واقع چتر بیمه اجباری تأمین اجتماعی از سر طبقه کارگر برداشته خواهد شد و به همین دلیل است که این طرح، یک رنگ‌خطر جدی است و باید طبقه کارگر در مقابل آن با جدیت و توانمندی و اتحاد کامل، بسیج شود.

راهکار این بسیج شدن چیست و کارگران چطور می‌توانند متحدانه به مقابله با این طرح برخیزند و مانع از پیگیری و تصویب آن شوند؟

پیشنهادی کنیم نمایندگان جامعه کارگری در استان‌ها، اعم از شوراهای اسلامی کار، انجمن‌های صنفی، مجمع نمایندگان کارگری، دبیران اجرایی خانه‌های کارگر، احزاب کارگری و هر تشکلی که نام کارگر را یدک می‌کشد، بسیج شوند و بروند با نمایندگان مجلس مذاکره کنند. تبعات منفی این طرح را برای نمایندگان استان‌های مختلف شرح بدهند و از آنها بخواهند امضایشان را پس بگیرند. ممکن است در صورت آگاهی نمایندگان از عواقب این طرح و اینکه بدانند این طرح هیچ تاثیری در اشتغال‌زایی و رونق کسب و کار نخواهد داشت، تجدیدنظر نکنند و امضای خود را پس بگیرند. نمایندگان مجلس باید بدانند که

این طرح، هیچ تأثیر مثبتی در ایجاد اشتغال در روستاها نخواهد داشت و فقط موجب مهاجرت اجباری روستاییان به شهرها و شهرک‌های اقماری حاشیه شهرها می‌شود. باید به نمایندگان بگویند که سرنوشت اجرای ماده ۱۹۱ قانون کار و نتایج آن، مشتی است که نشان‌دهنده خروار است. ماده ۱۹۱ قانون کار و معافیت کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر از شمول برخی قوانین کار، در سال ۸۳ برای یک دوره سه ساله مصوب شد و فکری کردند باین معافیت، بازار کار رونق می‌گیرد اما نتیجه چه شد؟ نه تنها بازار کار رونق نگرفت بلکه شاهد اخراج کارگران رسمی و برچیده شدن بسیاری از مشاغل صنفی بودیم. دولت احمدی‌نژاد متأسفانه این معافیت را تمدید کرد و در نهایت، بعد از تخریب بسیار به این نتیجه رسیدند که هیچ تأثیر مثبتی در کار نبوده و معافیت از قانون کار هیچ بهبودی در بیکاری ایجاد نکرده و موجب کاهش نرخ بیکاری نشده است. همین معافیت موجب شدن نیروی کار با تخریب شغلش را از دست بدهد و به ارتش بیکاران افزوده شود. میزان اشتغال‌زایی در دوران احمدی‌نژاد سالی ۱۴ هزار نفر بود چرا که همین معافیت، تأثیر منفی بسیاری بر نرخ ایجاد اشتغال داشت. معافیت کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر و بقاع متبر که که همین الان هم قرار است، هم هیچ تأثیر مثبتی نداشتند و نمایندگان مجلس باید این مسائل را بدانند.

اینها سر را از سر گذاشت می‌نوازند و نعل وارونه می‌زنند. ما به دنبال یک قانون کار واحد هستیم که همه مزدبگیران را منهای نظامیان دربرگیرد؛ حتی پزشکان و خلبانان و معلمان و همه کارکنان دولت. باید به سمتی برویم که یک قانون کار واحد در برگیرنده همه مولفه‌های حقوق کار توصیه شده توسط سازمان جهانی کار باشد. این چندگانگی در روابط کار است که قدرت چانه‌زنی و مطالبه‌گری نیروی کار را تنزل داده است. عده‌ای رسمی دولت هستند، عده‌ای پیمانی، عده‌ای کارگری و عده‌ای هم معاف از تمام قوانین کار. همین چندپارگی منجر به این شده که طبقه کارگر، امروز بی‌پناه‌ترین طبقه و فاقد انسجام سازمانی باشد و هر روز در معرض تعرض و تاخت و تاز نتولیرال‌ها قرار بگیرد. محرومیت از حقوق اجتماعی به تاسی از حقوق سیاسی، نشأت گرفته از چندپارگی و شکاف در نیروی کار و وجود قوانین چندوجهی است. ما باید به سمت قانون کار واحد برای همه به جز نظامیان برویم و اتفاقاً قانون کار فعلی به همین منظور نوشته شده اما متأسفانه هرگز در اجرا به درستی و کامل اجرا نشده و آن را چندپاره کرده‌اند و البته تاوان این چندپارگی و شلیق رافقط طبقه کارگری می‌پردازد. طبقه کارگر با فقدان امنیت شغلی، با بی‌اعتبار شدن جایگاه اجتماعی و با عدم حضور نماینده واقعی در ارکان قانون‌گذاری و اجرایی دولت، هر روز توان می‌دهد. چندقانونی بودن نیروی انسانی موجب شده معلمان یا وکلا یا اساتید دانشگاه،

نمی‌خواهیم و به دنبال تفکر ماهیگیری هستیم. وی به مشکلات مالی سازمان تأمین اجتماعی به دلیل انتصابات اشتباه اشاره کرد و گفت: این مشکل موجب شده تأمین اجتماعی از بانک رفاه برای تأمین حقوق بازنشستگان کمک بگیرد و این نگرانی‌هایی را ایجاد کرده بنابراین امروز باید در انتصابات بخش‌های مختلف این وزارتخانه دقت شود.

دبیر اجرایی خانه کارگر استان اصفهان همچنین نسبت به عدم اجرای قانون همسان‌سازی حقوق برای بازنشستگان تأمین اجتماعی انتقاد کرد و گفت: نمایندگان مجلس و دولتمردان باید این تبعیض‌ها را از بین ببرند.



خطرات و عواقب این کار، به مراتب بیشتر از طرح‌های اصلاحی قبلی برای اصلاح قانون کار است چون ۳۵ میلیون کارگر حوزه‌های کوچک، خانگی و کشاورزی، از حداقل دستمزد قانونی محروم می‌شوند

در مجلس نماینده داشته باشند و حقوق‌شان را بقدرت پیگیری کنند اما کارگران فاقد نماینده و قدرت چانه‌زنی موثر باشند.

خواسته شما و فعالان کارگری، پررنگ شدن سوبه‌های حمایتی قانون کار و تأمین حقوق اولیه کارگران است منتها برعکس این اتفاق افتاده است. نمایندگان مجلس طرحی را نوشسته و امضا کرده‌اند که همین حقوق اولیه و ساده هم از کارگران سلب شود. اگر این نمایندگان امضاهای خود را پس نگیرند و همچنان بر مزد توافقی پافشاری کنند، کارگران چه خواهند کرد و چه می‌توانند بکنند؟

اگر این طرح خطرناک که عملاً مسیر چند تکه شدن فصول قانون کار را هموار می‌کند، به صحن برود و تصویب شود، هر زنه سنگینی در بلندمدت به جامعه تحمیل خواهد شد. اتفاقاً نه تنها هیچ نقش مثبتی در کاهش نرخ بیکاری نخواهد داشت، بلکه موجب تخریب جدی فضای روابط کاری می‌شود. این طرح، متأسفانه حاصل تفکر موسسه‌خیریه‌نتر اشتغال اصفهانی است که از نام ائمه اطهار و مسائل مذهبی برای تضعیف حقوق انسان‌ها سوءاستفاده می‌کند. اینها برخلاف منش امام حسین (ع) رفتار کرده و شعار «هیئات من‌الذله» ایشان را فراموش کرده‌اند اما کارگران همین شعار مبارک را مدنظر دارند. اگر این طرح مخرب به صحن مجلس برود، هرگز ساکت نمی‌نشینیم.

اصلاحات اصولی دارد. یک زمان هست می‌گویند بیابید بنشینید توافق کنیم و متن قانون را اصلاح کنیم اما این طرح، اصلاح نیست، به معنای واقعی فقط تخریب است. حقوق حقه بیش از ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر را بر سوال بردن و سرکوب کردن است. این طرح مصداق عینی ضرر زدن به جماعت است. تقارن سالروز تصویب قانون کار با این طرح، برهه حساسی را رقم زده که ما کارگران باید وحدت خود را حفظ کنیم. جمع شوند و علیه این توطئه‌ها فریاد بزنند. هیچ راه دیگری هم نداریم!

